Journal of Teaching Persian to Speakers of Other Languages Print Issn:5394-2322
Electronic Issn:2676-3354

The study of «Learn Persian» collection from the Perspective of Cultural Semiotics

Hossein Razavian*

Corresponding author, Associate Professor, Department of General Linguistics, Faculty of Humanities, Semnan University, Iran.
razavian@semnan.ac.ir

Tahereh Azadi

MA, Department of General Linguistics, Faculty of Humanities, Semnan University, Iran.
taherehazadi76@yahoo.com

Extended Abstract:

1. Introduction

Despite the variety of electronic resources, the textbook can be considered as the main language teaching tool. The purpose of this research is to investigate and analyze semiotic information, elements and components based on the approach of "Cultural Semiotics of the Moscow-Tartu School" in the "Learn Persian" book series. The study of culture is related to cognitive sciences; culture is the manifestation of human cognitive abilities, and today human societies present all aspects of human life and especially cognitive activities in the form of culture. Cultural semiotics describes some special sign systems as symbolic forms and these symbolic forms of society create the culture of that society. Cultural semiotics is a sub-branch of semiotics whose subject is culture. An attempt is made to conduct a comprehensive analysis of how cultural semiotics is presented in this collection and to express the role of one's own culture and another's culture in Persian language education from the concepts of cultural semiotics. Therefore, according to what was said, the questions of this research are: 1- From the perspective of cultural semiotics of the Tartu-Moscow school, how is the representation of "self" and "other" culture in the "Learn Persian" book series?

2- What are the strengths and weaknesses of the "Learn Farsi" book series from the perspective of cultural semiotics of the Tartu-Moscow school?

2. Review of literature

The Numerous researches are presented in the field of semiotics and especially cultural semiotics. In the review of the educational texts based on cultural semiotics, no

*Cite this article: Razaviyan, H.& Azadi, T. (2022). The study of «Learn Persian» collection from the Perspective of Cultural Semiotics, *Vol. 11, No. 1 (Tome 23), April 2022,*218-242
DOI: 10.30479/JTPSOL.2023.17854.1612
Received on: 15/09/2022 Accepted on: 06/03/2023

© The Author(s).
Publisher: Imam Khomeini International University

significant researches have been done, and works have been done mostly based on visual signs. Some of the researches done in this field are: Asaberger (2000: 83 and 84), Chandler (2008: 20), Posner (2011), Saussure (2011), Senson (2011: 76), Little John (2011), Sharifian (2017), and Lionberg (2017, p.126).

3. Theoretical Foundation

The method of this research is based on the approach of cultural semiotics. In the review of texts within the framework of cultural semiotics, which is a branch of semiotic science, there is freedom to use other methods of semiotics, which is based on the nature of this knowledge. Semiotics interacts with many fields such as sociology, ethnography, psychology, anthropology, cognitive linguistics and biology. From the cultural codes in two cultures, "self" and "other" culture and the dimensions of culture, we considered the basis of classification for the analysis of the texts of the "Learn Persian" collection. After collecting cultural codes from this collection, we discussed how to represent each of them in relation to "self" and "other".

4.Results of data analysis

The research showed various cultural signs throughout the history and area of this land, and communication and interaction are the result of knowledge. In Iranian culture, assimilation and internalization is more than rejection, negation, and escape. Although this culture has been exposed to other cultures, it has kept its precious heritage and by combining with other cultures, it has introduced positive points into its cultural sphere. This power of interaction and attraction states that it has cultural evolution and has reached the understanding and reception of another's presence. In the social and cultural context, an interesting point that the authors of this series wanted is the attention and importance of greeting, which is well drawn in the social relations of the Iranian society and the position of the family.

Keywords: Cultural semiotics; Teaching Persian; cultural self and other; Learn Persian book; Moscow-Tartu School.

پژوهش‌نامهٔ آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان(علمی- پژوهشی)
شاپا چاپی: ۵۳۹۴-۲۳۲۲
شاپا الکترونیکی: ۲۳۵۴-۲۶۷۶

بررسی مجموعه کتاب‌های «فارسی بیاموزیم» از منظر نشانه‌شناسی فرهنگی (پژوهشی)

حسین رضویان *
نویسندهٔ مسئول، دانشیار گروه زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه سمنان
razavian@semnan.ac.ir
طاهره آزادی
دانش آموختهٔ کارشناسی ارشد آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان، دانشگاه سمنان
taherehazadi76@yahoo.com

چکیده

با وجود متنوع بودن منابع الکترونیکی، می‌توان کتاب درسی را از اصلی‌ترین ابزار آموزش زبان دانست. هدف از این پژوهش بررسی و تحلیل اطلاعات و مؤلفه‌های نشانه‌شناختی بر اساس رویکرد «نشانه‌شناسی فرهنگی مکتب مسکو- تارتو» در مجموعه کتاب‌های «فارسی بیاموزیم» می‌باشد. فرهنگ مظهر توانایی‌های شناختی انسان است و امروزه جوامع بشری همه جهت‌های زندگی انسان و به‌ویژه فعالیت‌های شناختی را در قالب فرهنگ ارائه می‌دهند. نشانه‌شناسی فرهنگی زیرشاخه‌ای از نشانه‌شناسی می‌باشد که موضوع آن فرهنگ است. در این شاخه نشانه‌شناسی بعضی نظام‌های نشانه‌ای ویژه را به‌عنوان صورت‌های نمادین توصیف می‌شود. پژوهش حاضر تلاش می‌کند تا تحلیلی جامع از چگونگی ارائه‌ی نشانه‌شناسی فرهنگی در مجموعه کتاب‌های «فارسی بیاموزیم» انجام شود و از مفاهیم نشانه‌شناسی فرهنگی نقش فرهنگ خود و دیگری در آموزش زبان فارسی بیان شود. یافته های پژوهش نشان می دهد که کتاب در بازنمایی‌های خود و دیگری در ارتباط با هر رمزگان، با استفاده از برخی سوژه‌ها موفق عمل کرده است و در نهایت این مجموعه خودی شکوهمند را به نمایش می‌گذارد. بنابراین فرهنگ دیگری را به حاشیه برده و از فرهنگ غیرخودی بهره‌ای نمی‌برد. نشانه‌های فرهنگی متنوعی در سراسر تاریخ و پهنه‌ی این سرزمین وجود دارد و فرهنگ ایرانی که در آن جذب و خودی‌سازی بیشتر از طرد و نفی و گریز می‌باشد. بر اساس نتایج پژوهش، نشانه‌های فرهنگی در این مجموعه در قالب آداب و رسوم، اماکن، پوشاک، خوراک و ... بخوبی به زبان آموز غیرایرانی ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها:

نشانه‌شناسی فرهنگی، آموزش فارسی، خود و دیگری فرهنگی، کتاب فارسی بیاموزیم، مکتب مسکو- تارتو.

---

* **استناد**: رضویان، آزادی. (۱۴۰۱)، بررسی مجموعه کتاب‌های «فارسی بیاموزیم» از منظر نشانه‌شناسی فرهنگی، سال یازدهم، شماره‌ی اول (پیاپی ۲۳)، بهار و تابستان ۱۴۰۱، ۲۴۲-۲۱۸
شناسه دیجیتال (DOI):10.30479/JTPSOL.2023.17854.1612
تاریخ دریافت مقاله:۱۴۰۱/۰۶/۲۴ تاریخ پذیرش نهایی مقاله:۱۴۰۱/۱۲/۱۵
ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره)

۱. مقدمه

زبان فارسی یکی از ارکان هویت ایرانی است که در عصر گفت‌وگوی فرهنگی و شبکه‌های اجتماعی مورد توجه خاص استادان، پژوهشگران و علاقه‌مندان فرهنگ ایرانی در سراسر جهان قرار گرفته‌است. با این همه، رویکردهای متفاوت منابع آموزش زبان فارسی یکی از مشکلات پیش‌روی زبان‌آموزان و مدرسان این زبان است. ارتباط نزدیک دو مقوله زبان و فرهنگ موجب‌شده‌است که فرآیند یادگیری زبان، صحنه‌ی تعامل و تقابل میان دو فرهنگ باشد. از طرفی مقایسه کردن، جزئی از ذات انسان است و زبان‌آموز در فرآیند یادگیری یک زبان همیشه در حال مقایسه میان «خود فرهنگی [۱]» و «دیگری فرهنگی[۲]» است. زبان‌آموز بایستی سعی کند فضای فرهنگی دیگری (منظور فرهنگهای متفاوت از فرهنگ خودزیسته زبان‌آموز است) را با رمزگان‌ها[۳] و زیررمزگان‌های[۴] مختلف و متفاوتش و روابطی که میان آنها هست، شناسایی کرده و برای برقراری ارتباط زبانی، آنها را تا حدودی درونی نماید. بااین‌وجود میزان شناخت فرهنگ مورد نظر و مجموعه رمزگان‌های مختلف و ارتباط آنها با یکدیگر را می‌توان مشخص‌کننده‌ی میزان توفیق در امر زبان‌آموزی محسوب کرد و از سوی دیگر گاهی از فرهنگ دیگری را ارتقاءدهنده بینش نسبت به فرهنگ خود درنظرگرفت.

دراین‌صورت مواد آموزشی نقش مشخصی در یادگیری فرهنگ به‌عنوان یکی از مهارت‌های زبان‌آموزی و به پیروی از آن، یادگیری زبان مقصد را برعهده می‌گیرند. مواد آموزشی برای زبان‌آموزان، مخصوصاً زبان‌آموزانی که در پیرامون زبانی مقصد حاضر نیستند، دارای اهمیتی دوچندان می‌شود که در بسیاری از مواقع بخش قابل‌توجهی از آشنایی با فرهنگ مقصد و یادگیری آن، از طریق این مواد نقش می‌پذیرد. فرهنگ، از سویی از طریق این تعیین حدود با دیگری و تعریف خود براساس رمزگان‌هایش، با خطوط مشخص و قاطعی سعی دارد خود را از دیگری فرهنگی کاملاً جدا کند و از سویی، گریزی از ارتباط با دیگری یا همان فرهنگ‌های دیگر ندارد (سجودی، ۱۳۸۸: ۱۳۰-۱۳۲).

از پرکاربردترین و احتمالاً مهم‌ترین مواد آموزشی، کتابهای آموزشی می‌باشند. بنابراین متون آموزش زبان را باید صحنه‌ی بازنمایی «خودفرهنگی» در حضور «دیگری فرهنگی» در جنبه‌های مختلف فرهنگی فرض‌کرد. کتاب‌های آموزشی را از دو لحاظ می‌توان مورد بررسی قرار داد، از لحاظ آموزش مهارت‌های زبانی و روش‌هایی که برای این مهارت‌ها به‌کار می‌بندند، که در بررسی‌ها این روش بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد و از سویی دیگر متنی از یک فرهنگ که به نوعی تعامل با فرهنگی دیگر باشد غالباً از این جنبه در پژوهش‌های آموزش

---

۱. Cultural self

۲. Cultural other

۳. Code

۴. Subcode

زبان به‌عنوان «آموزش فرهنگ[۱]» ذکر می‌شود. از طرفی «بشر فقط با استفاده از دانش زبانی معنی نمی‌سازند بلکه دانش پیشین، معنی تجربه‌های زندگی و دانش فرهنگی- اجتماعی در ساختن معنی میان طرفین سخن نقش بسزایی دارد» (ضیاءحسینی، ۱۳۸۵: ۱۹)؛ ازاین‌جهت در امر آموزش و تألیف متون آموزشی زبان باید این درهم‌تنیدگی زبان و فرهنگ را بررسی نمود. مطلبی که باید مورد توجه قرار گیرد در برقراری ارتباط زبان‌آموزان در زبان مقصد ضروری باشد و در بحث آموزش فرهنگ، عموماً به این قضیه توجه می‌شود. بنابراین نکته‌ای که مورد تأیید قرار می‌گیرد اینست‌که «آموزش زبان بسی فراتر از آموزش واژگان و دستور زبان و حتی آموزش اصطلاحات و باهم‌آیی‌های واژگانی[۲] باشد و به طور شدیدتری دانستن معانی فرهنگی و ارزش‌های اجتماعی بر توانایی زبان‌آموزان در درک و دریافت متون و صورت بافتی که آن معانی در آن به‌کار می‌رود، تأثیر می‌گذارد» (Hinkel, 2001,p.452) در نتیجه نیاز است هم در تدوین متون آموزشی و هم در موقع آموزش، این متون و نوع آموزش آنها مورد توجه قرارگیرد.

درباره این موضوع می‌توان گفت مطالعه‌ی چگونگی بازنمایی خود، دیگری فرهنگی و تعامل‌شان در این متن‌ها علاوه‌بر آن‌که مطالعه‌ای اجتماعی- فرهنگی، در زمینه‌ی فرهنگ، تعاملات میان‌فرهنگی و مسائل مربوط به آن شامل شده‌است، می‌توان در بررسی‌هایی که پیرامون آموزش و یادگیری زبان و تدوین متن‌های آموزشی انجام‌می‌شود نیز مورد ارزیابی قرارگیرد. ارزیابی و تحلیل چگونگی بازنمایی نشانه‌های زبانی و تصویری در این کتاب‌ها، نحوه‌ی تعامل با زبان‌آموزانی که متعلق به فرهنگ‌های دیگر است، از منظر«نشانه‌شناسی فرهنگی» مورد تحلیل قرار گرفته شود. در این پژوهش، با توجه به مجموعه کتاب‌های آموزش زبان فارسی تألیف حسن ذوالفقاری و همکاران «فارسی بیاموزیم»، نحوه‌ی ارتباط و تعامل با زبان‌آموزانی که متعلق به فرهنگ‌های دیگر، برای آموزش زبان‌آموز هستند به بررسی و مقایسه چگونگی بازنمایی نشانه‌های تصویری پرداخته می‌شود و همچنین بر این اساس نشانه‌شناسی فرهنگی مکتب تارتو-مسکو که چگونگی فرهنگ ایرانی را نشان می‌دهد مورد بررسی قرار داده می‌شود.

۲. مبانی نظری پژوهش

۲. ۱. فرهنگ و آموزش فرهنگ

فرهنگ مفهوم پیچیده و گسترده‌ای دارد که تعاریف متعدد و متنوعی از آن ارائه شده‌است. فرهنگ در هر جامعه به‌مثابه روح در پیکر است که موجب حیات و بقای جامعه می‌شود. اهمیت جنبه فرهنگی حیات انسان تا جایی است که بعضی از دانشمندان انسان را حیوان فرهنگی فرض می‌کنند و این حاکی از حقیقتی است

۱. Cultural pedagogy

۲. Colloccations

که در میان موجودات جهان فقط انسان توانایی دارد از طریق تعقل و انتخاب وجود خود را فراتر از محدوده جسمانی و زیستی گسترش دهد و دنیایی از معنی خلق کند، که اعمال و رفتار آدمی را توجیه کند و جهت دهد. در واقع، فرهنگ ادامه فکری و معنوی وجود انسان است که بعضی ابعاد آن به صورت مادی و ملموس ظهور می‌کند. بنابراین تولید فرهنگ، نشانه قدرت آفرینندگی بشر می‌باشد (ملکی، ۱۳۸۸).

دانشمندان معانی متفاوتی برای این کلمه در نظر گرفته‌اند و حتی بعضی از صاحب‌نظران چند خطی را ارائه داده‌اند. واژه‌ی انگلیسی این مفهوم از واژه لاتین cultura گرفته شده که به معنی کشت، زراعت و ترویج است. در عربی این واژه با کلمه «ثقافه» به‌کار رفته‌است، و به معنای پیروزی، تیزهوشی و مهارت بوده و بعد از آن به معنای استعداد و توانایی به‌کار گرفته‌شد. فرهنگ در لغت‌نامه معین به معنای ادب، تربیت، معرفت، دانش و علم تعریف شده‌است (معین، ۱۳۸۸). فرهنگ در زبان فارسی به معنای کشیدن، سپس به معانی دانش، عقل و ادب به‌کار گرفته شد (دهخدا به نقل از خسروپناه، ۱۳۹۰).

در کل فرهنگ مجموعه‌ای از ارزش‌ها،هنجارها، نمادها، آداب و رسوم، دانش و هنر و میراث اجتماعی که بین افراد هر جامعه وجود دارد که از طریق یادگیری از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد. فرهنگ، امری ذاتی و انتسابی نیست؛ بلکه امری اکتسابی است که به‌وسیله محیط اجتماعی از طریق خانواده، دوستان، نظام‌های آموزشی، رسانه‌های جمعی و ... انتقال می‌یابد تا با فراگیری و درونی کردن آن راه و روش زندگی اجتماعی مطلوب فراگرفته‌شود و با جهت‌دهی به رفتارهای فردی و اجتماعی زمینه رشد و شکوفایی فراهم شود (منافی شرف آباد و زمانی، ۱۳۹۱). در واقع فرهنگ کارکرد حافظه ملتی را دارد؛ که تجربیات معاصران و گذشتگان را برای اعضای جامعه‌اش فراهم می‌کند و در حالی که آن تجربیات مثبت باشد، موجب تکرار آن‌ها و در صورتی‌که منفی باشد باعث جلوگیری از آن‌ها می‌شود (پوسنر، ۱۳۹۰).

بنابراین فرهنگ تمامی ابعاد زندگی انسان، از چگونگی غذا خوردن، رفتار افراد نسبت به‌هم، نحوه‌ی صحبت کردن تا رشد تکنولوژی، راه و رسم زندگی، شیوه‌ی معیشت و غیره را شامل می‌شود. پس فرهنگ به‌طور مداوم و مستمر در حال تحول و دگرگونی است، در صورتی‌که هیچ فرهنگی مستثنی از این قاعده نیست و تغییر و تحول در زمینه‌ی فرهنگ می‌تواند سریه و یا آرام رخ دهد که این امر به عوامل گوناگونی مرتبط است. حال طبق همین الگو در این تحقیق به متون آموزشی از دیدگاه فرهنگ ایرانی و فرهنگ غرب پرداخته‌می‌شود.

۲. ۲. نشانه‌شناسی و نشانه[۱]

علم نشانه‌شناسی در حوزه‌های متفاوتی نفوذ یافته‌است، این علم خصوصا در علوم‌انسانی، علوم اجتماعی و هنر کاربرد فراوان دارد. نقد ادبیات، فیلم، تفسیر معماری، هنرهای زیبا، مطالعه مد، تفسیر مجلات، تبلیغات،

[۱]. Semiotics & sign

آگهی‌های تجاری رادیو، تلویزیون، پزشکی و در حوزه‌های مختلفی مورد استفاده قرار گرفته‌است (آسابرگر، ۱۳۷۹: ۸۵). تحقیقات نشانه‌شناسی از نیمه دوم قرن بیستم در علوم‌انسانی راه یافت و در حوزه‌هایی مانند نشانه‌شناسی هنر و نشانه‌شناسی حقوق گسترش یافت، ازاین‌رو تمامی آثار ساخت‌انسان در گستره تحقیقات نشانه‌شناسی قراردارد.

نشانه‌شناسی دانشی است که به مطالعه‌ی سازوکارهای تولید، انتقال و دریافت معنا می‌پردازد. بنیادی‌ترین مفهوم در نشانه‌شناسی «نشانه» است؛ نشانه‌شناسی در اصل به معنی علم نشانه‌ها می‌باشد. واژه سمیوتیک از ریشه یونانی سمیون یا نشانه است و از آن برای توصیف تلاشی نظام‌یافته برای فهم این مسئله که نشانه‌ها چیستند و چگونه عمل می‌کنند؛ بیان می‌شود. اصطلاح نشانه‌شناسی در ارتباط با پیرس فیلسوف امریکایی است و اصطلاح علم نشانه‌ها را فردینان دوسوسور، زبان‌شناس سوییسی به‌کار برده است. هر دو اصطلاح به چگونگی تولید و انتقال معنی ارتباط دارد (آسابرگر، ۱۳۷۹: ۸۳ و۸۴). «ساده‌ترین تعریف نشانه عبارتست از: مجموعه‌ای دوگانه متشکل از یک مفهوم و یک صورت آوایی» (دینه‌سن، ۱۳۸۰: ۲۶). «نشانه یک واحد معنادار است که به‌عنوان اشاره‌گر بر چیزی جز خودش تفسیر می‌شود. نشانه‌ها در صورت‌های فیزیکی واژه‌ها، تصاویر، اصوات، کنش‌ها یا اشیاء (این شکل از نشانه گاهی حامل نشانه نامیده‌می‌شود)، ظاهر می‌شوند. نشانه‌ها معنایی ذاتی و درونی ندارند و فقط وقتی تبدیل به نشانه می‌شوند که کاربران نشانه با ارجاع به یک رمز به آن‌ها معنا دهند» (چندلر، ۱۳۸۷:۳۴۲).

از نگاه سوسور نشانه زبانی نه یک شیء را به یک نام؛ بلکه یک مفهوم را به یک تصور صوتی پیوند می‌دهد. «نشانه کلیتی است ناشی از پیوند بین دال و مدلول» (Saussure، 1983 به نقل از سجودی، ۱۳۹۰: ۱۳). سوسور الگویی دو وجهی از نشانه ارائه می‌دهد از نگاه او نشانه متشکل از دال[۱]؛ تصور صوتی و مدلول[۲]؛ تصور مفهومی، یا مفهومی که دال به آن دلالت[۳] می‌کند. در نتیجه از نظر سوسور نشانه به چیزی دلالت ندارد و ازاین‌رو به مفاهیم دلالت دارد که دلالت رابطه‌ای اختیاری و ایجابی است و «هیچ رابطه‌ی طبیعی یا اجتناب-ناپذیری میان دال و مدلول وجود ندارد.» (کالر۱۳۸۶: ۱۹). در نتیجه این رابطه درون یک نظام اجتماعی دارای معنا می‌شود و به‌تنهایی معنا ندارد. به اختصار بتوان بیان کرد که مطالعه‌ی تولید اجتماعی معنا برطبق نظام‌های نمادین، دانش نشانه‌شناسی نام گرفته‌است. نشانه‌شناسی نه فقط شامل مطالعه چیزهایی است که ما در مکالمات روزمره نشانه می‌نامیم؛ بلکه مطالعه هر چیزی است که بر چیزی دیگر اشاره دارد» (چندلر، ۱۳۸۷: ۲۰).

---

۱. Signifier

۲. Signified

۳. Signification

۲. ۳. نشانه‌شناسی فرهنگی

در سال ۱۹۷۳ نشانه‌شناسی فرهنگی، با علم صورتگرایان روس و حلقه‌ی زبان‌شناسی پراگ هم‌چون دانشی که بررسی همبستگی کارکردی میان نظام‌های نشانه‌ای متفاوت را در دستور کار خود قرارداده پا به عرصه‌ی وجود نهاد (توروپ، ۱۳۹۰: ۳۱-۳۶). لوتمان و مکتب مسکو- تارتو آن‌را «دانش مطالعه‌ی رابطه‌ی کارکردی بین نظام‌های نشانه‌ای درگیر در فرهنگ» معرفی کردند و بدین‌گونه، پیش‌فرض توصیف نظام‌های نشانه‌ای بر مبنای یک مفهوم کلی و نظری به بحث گرفته‌شد و این نظر که «نظام‌های نشانه‌ای فقط در ارتباط با یکدیگر و در تأثیر متقابل بر یکدیگر است که عمل می‌کنند» جایگزین آن شد (Tisid, 1998,p. 61، به نقل از توروپ، ۱۳۹۰:۲۷). در حقیقت نشانه‌شناسی فرهنگی، ماهیت فرهنگ را مورد تفکر قرارداده و به آن الگوهای ذهنی و مادی‌ای که ما برای فهم فرهنگ خود و فرهنگ دیگران درست می‌کنیم؛توجه نشان می‌دهد (Lionberg, 2017,p.126) «نشانه‌شناسی فرهنگی آن زیرشاخه نشانه-شناسی است که موضوع آن فرهنگ است. بنا بر گفته کاسیرر نشانه‌شناسی فرهنگی دو نقش دارد که یکی مطالعه نظام‌های نشانه‌ای در یک فرهنگ با توجه به مشارکتی که در فرهنگ دارند؛ و دیگری مطالعه فرهنگ به‌مثابه یک نظام نشانه‌ای با توجه به مزایا و مضراتی که فرد در تعلق به فرهنگی خاص تجربه می‌کند» (سجودی، ۱۳۹۰: ۲۹۴).

۲. ۴. الگوی مکتب تارتو

در مکتب تارتو، نشانه‌شناسی فرهنگی، این‌گونه معرفی شده که هدفش تدوین الگویی است از آن الگوی ضمنی که هر عضو فرهنگ درونه کرده‌است (شکل۱). بدیهی است که اعضای هر فرهنگ خودی و اعضای دیگر فرهنگ‌ها غیرخودی به‌شمارمی‌رود. در سمت خودی؛ زندگی منظم و معنادار می‌باشد، بیرون از آن آشوب و بی‌نظمی حکم‌فرماست که درک آن ممکن نیست (سنسون، ۱۳۹۰: ۷۶). مکتب تارتو از این انگاره برای درک رابطه‌ی بین روسیه و غرب در دوره پتر کبیر و اسلاو دوستان بهره برده‌است، در چنین مدلی برای پتر قسمت فرهنگ به معنای فرهنگ غرب و برای اسلاو دوستان قسمت فرهنگ به معنای روسیه می‌باشد، بدین معنی که هر یک برداشت خود را از فرهنگ دارد و در مقابل برداشت دیگری را نافرهنگ محسوب‌می‌کند (همان: ۷۷). سجودی در نقد این مدل بیان می‌کند؛ فرهنگ یک وجود ایستا نمی‌باشد بلکه روندی است که با تولید متن؛ انباشت و تبادل اطلاعات و انباشت متن در گنجینه‌ی متون ارتباط دارد و روال کار ترجمه این فرایند را به جانب دیگر؛ از طریق طرد، مرز بین متن و نامتن را نگه‌می‌دارد. سرانجام نقش متن را برای نگهداری خود در برابر بیگانه وجودمی‌دهد. فرهنگ با وجود خود بودن؛ در مرکز بودن خود و دیگری را به حاشیه‌بردن، در همه قرون و بیشتر در عصر حاضر وابسته به دیگری می‌باشد. (سجودی، ۱۳۹۰).

شکل ۱. انگاره مکتب تارتو(سنسون، ۱۳۹۰: ۷۶)

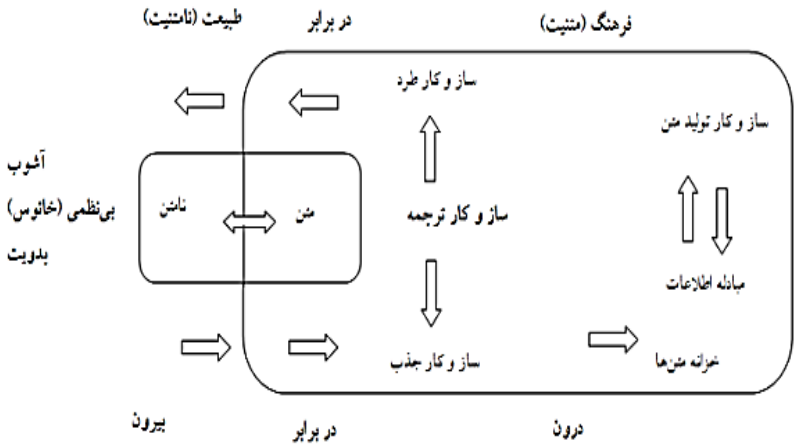

(سجودی،۱۳۸۸ الف:۱۲۸-۱۳۸). سجودی حین جایگزینی دو اصطلاح «فرهنگ یا متن خود» و «فرهنگ یا همان‌گونه که در شکل ۱ مشاهده می‌کنید؛ در این الگو فرهنگ در مقابل نافرهنگ قرار گرفته‌است. فرهنگ؛ درون و در سمت خودی و نافرهنگ؛ که در حقیقت فرهنگ‌های دیگر را شامل می‌شود در بیرون و سمت دیگری قرار می‌گیرد. در سمت خود یا درون، متنیت است و در نتیجه زندگی منظم و معنادار می‌شود؛ در مقابل در سمت دیگری یا بیرون، طبیعت یا نامتنیت است و در نتیجه آن‌جا آشوب، بی‌نظمی و بدویت حاکم است. در این شرایط «متن» که در اولین برخورد، هر آن‌چه درون فرهنگ و قابل فهم است قلمداد می‌شود، نمی‌تواند بیرون از فرهنگ وجود داشته‌باشد؛ اما دست‌کم امکان بالقوه‌ی «نامتن» که از بیرون می‌آید و به متن تبدیل می‌شود، لحاظ شده است. بنابراین انتظار می‌رود که نامتن‌ها با سازوکار خاص طرد که درون هر فرهنگی هست؛ طرد شوند، ازاین‌رو به‌تدریج انباشت فراوان از متون تغییر شکل‌یافته این امکان را دارد که سازوکار تفسیری جدید درون هر سپهر نشانه‌ای شکل بگیرد، که درک آن‌ها را میسر کند و تا این‌که شاهد شکل‌گیری روالی بود که به فرهنگ امکان بدهد متون خود را از نوع متونی خلق کند که قبلا تنها در فرهنگ بیرونی امکان وجود داشت (همان: ۷۷).

سجودی در مقاله‌ای به تبیین چهار رویکرد پرداخته‌است؛ رویکرد اول «خود و نه دیگری» همان، الگوی مکتب تارتو که در شکل۱ ارائه شده؛ و با عملکرد هویت‌بخش و ایدئولوژیکی فرهنگ در ارتباط است. در این رویکرد سمت خود دارای متن، فرهنگ، نظم و معناست و سمت دیگر نامتن، طبیعت، آشوب و فاقد معناست. در آثار اسطوره‌ای فرهنگ‌های متفاوت، به‌وفور از این یافت‌می‌شود. رویکرد دوم که «نه خود بلکه دیگری»؛ دیگری آرمانی فرهنگ محسوب می‌شود و از منظر دیگری به خود نظر می‌کند برای مثال پتر فرهنگ غرب را

فرهنگ؛ و فرهنگ اسلاوی را نافرهنگ قلمدادمی‌کند و فرهنگ غرب را در روسیه ترویج می‌دهد، این موردی است که مکتب تارتو به آن پرداخته‌است. رویکرد سوم «هم خود و هم دیگری»؛ رویکردی گفتمانی که در طول تاریخ ارتباطات بین فرهنگی، باعث پویایی فرهنگی شده‌است. این خود و دیگری از هم متمایز و در عین حال پیوسته با یکدیگر هستند؛ در این شیوه همیشه ردّی از خود در دیگری و ردّی از دیگری در خود وجود دارد. رویکرد چهارم «نه خود و نه دیگری»؛ که سویه‌ای از رویکرد «هم خود و هم دیگری» می‌توان به شمارآورد؛ چون چنین کارکردی در سطح یک گروه اجتماعی ممکن نیست، زیرا در نفی خود و دیگری، خودی تازه به‌وجود می‌آید و این‌ها (خود و دیگری) مجدداً شروع خواهدشد (سجودی، ۱۳۸۸ ب: ۱۵۱-۱۵۷).

سنسون (۱۹۷۸) می‌گویدکل تاریخ مدرنسیم را می‌توان نوعی فرایند تغییر صورت نامتن‌ها به متن فرض کرد. اگرچه در مدرنیسم نهضت دومی هست که گرایش به طرد متون از قلمرو هنر دارد و تلاش می‌کند آن‌چه را در حقیقت هنر است را منزوی کند. سجودی معتقد است؛ متن به هر نوع همنشینی نظام‌مند نشانه‌ها از قبیل واژه‌ها، تصاویر، قواعددستوری، ژست‌ها، صداها و ... که در پیامی چندلایه که از طریق مجرای فیزیکی مناسب دریافت‌شود؛ و با ارجاع به قراردادهای اجتماعی صورت گرفته‌باشد و دریافت شود؛ اطلاق می‌گردد و کلامی و غیرکلامی یا ترکیبی از هر دو می‌تواند باشد و در هر رسانه‌ای صورت‌می‌گیرد. براین اساس متون فرهنگی؛ به رفتارهای فرهنگی منجر می‌شوند و نیز درک و عدم‌درک بخشی از متون فرهنگی یا کل آن‌ها در رویارویی فرهنگ خود و دیگری، نتیجه تشابه و تفاوت در رمزگان آن‌هاست متن دیگری» با «فرهنگ» و «نافرهنگ»، به تعدیل الگوی فرهنگی مکتب تارتو و ارائه امکانات جدیدی در نشانه‌شناسی فرهنگی می‌پردازد (شکل ۲).

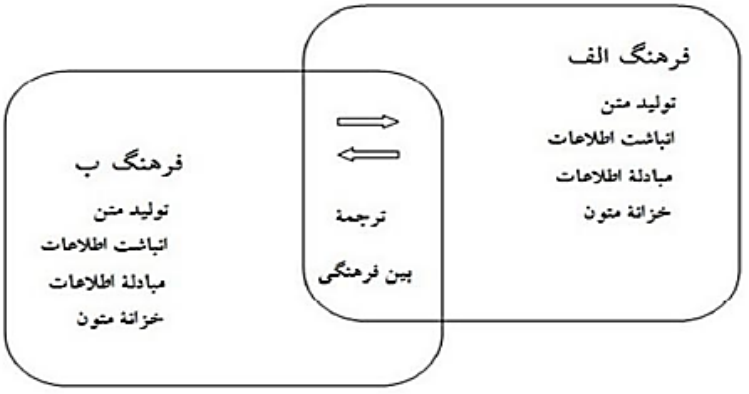

شکل۲. الگوی تعدیل شده‌ی روابط بین فرهنگی (سجودی، ۱۳۸۸: ۱۵۳)

سرانجام مدلی را ارائه می‌دهد که با قائل‌شدن به دو سطح رابطه هم‌زمانی و درزمانی خود و دیگری؛ به تبیین روابط میان خود و دیگری سعی در گسترش آن دارد (شکل۳).

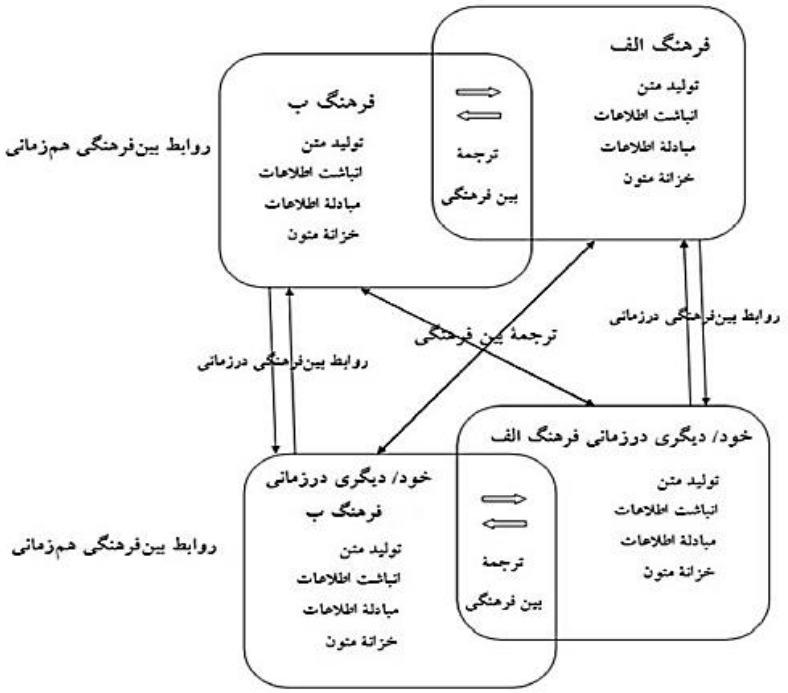

شکل۳. روابط بین فرهنگی درزمانی و هم‌زمانی (سجودی، ۱۳۸۸: ۱۵۰)

با نگرش به‌این‌که هر فرهنگ در وجه هم‌زمانی‌اش در امتداد پیوستار تاریخ خود قرار می‌گیرد؛ می‌توان وجه درزمانی را نیز در این رویکردها ملاحظه کرد به‌عنوان مثال می‌توان رویکرد نخست را این‌طور بازنمود که فرهنگ در وجه هم‌زمانی، دیگری را نافرهنگ محسوب می‌کند اما به‌همان‌سان می‌تواند نسبت به خود یا دیگری درزمانی‌اش حالت هم‌ذات‌پنداری داشته باشد، ازاین‌رو در این حالت می‌توان با وضعیتی روبرو شد که یک نظام فرهنگی - تاریخی به گونه‌ای بسیار آرمانی از طریق فرامتن‌ها صورت گیرد که هر چند به نام خود ارائه می‌شود، یک دیگری آرمانی تاریخی است و بدین سبب در جوامعی که رویکرد اول غالب است؛ فرهنگ بیشتر امری آرمانی متعلق به گذشته توصیف می‌شود و مطالعات فرهنگ بیشتر مطالعات تاریخ فرهنگ است (همان: ۱۵۸).

۲. ۵. شناخت مفهوم‌سازی فرهنگی

برای شناسایی مفهوم‌سازی‌های فرهنگی به رویکردی قوم‌نگارانه نیاز داریم، که بررسی‌ها در این رویکرد بر شناسایی مفهوم‌سازی‌ها که مخصوص فرهنگ سخنگو است، متمرکز می‌شوند. در این رویکرد دو دیدگاه «درون‌نگر» و «برون‌نگر» باهم به‌کار می‌رود. دیدگاه درون‌نگر برای شناختن مفهوم‌سازی‌هایی به‌کار می‌رود که

برای افراد بیرون از فرهنگ مورد مطالعه نشان‌دار باشند، تحلیل گفتمان در چارچوب مفهوم‌سازی‌های نشان‌دار می‌تواند متمایل به یافتن لغتی نامأنوس الگوی کاربردی متفاوت، الگوی تداعی معانی متفاوت باشد. در حقیقت تحلیل‌گر برای شناسایی مفهوم‌سازی باید توصیف‌های درون‌نگرانه را که ویژه یک فرهنگ می‌باشند را مورد بررسی قرار دهد (اردبیلی، ۱۳۹۱).

شناسایی مفهوم‌سازی‌ها در سطح فرهنگی به تحلیل افراد و بررسی گفتمان‌های بیشتر نیازمند می-باشد. ماهیت پیچیده مفهوم‌سازی‌های خاص یک فرهنگ زمانی پدیدار می‌شود که گفتمان‌ها بر پایه شم زبانی چند نفر از اعضای گروه مورد بررسی قرار گیرد چون‌که این دانش در افراد مختلف تا حدی متمایز می‌باشد.مفهوم-سازی‌های فرهنگی در بعضی از گروه‌های فرهنگی بسته‌به سایر گروه‌ها منسجم‌تر عمل می‌کنند. مفهوم‌سازی‌ها در سطوح مختلف گروه فرهنگی مثل خانواده و یا یک قوم می‌تواند، آشکارشوند. انسجام تاحدودی؛ به یکپارچگی، وحدت، پیوستگی و یگانگی نظام‌های شناختی و زیرنظام‌ها در گروه‌های فرهنگی ارتباط دارد (همان).

شریفیان (2017) زبان‌شناسی فرهنگی را این‌گونه تعریف می‌کند که به مطالعه ارتباط بین زبان و مفهوم-سازی‌های فرهنگی پرداخته است و بر این فرض پایدار است که خصوصیات فراوانی از زبان‌های بشری در مفهوم‌سازی‌های فرهنگی گنجانده شده است. این کارکرد چارچوبی را ارائه می‌دهد که در جنبه‌های نظری و عملی با استفاده از آن‌ها تحلیل مفهوم‌سازی‌های فرهنگی جای‌گرفته در لایه‌های زیرین زبان‌های بشری مقدور است.در مفهوم شناخت فرهنگی، مفاهیم شناخت و فرهنگ را در پیوستگی با زبان ارائه می‌دهد. حیطه عملی نشان‌دهنده این است که چگونه سطوح و ویژگی‌های متفاوت زبان توانایی دارند مفهوم‌سازی‌های فرهنگی را در چارچوب مقوله‌ها، طرحواره‌ها و استعاره‌های فرهنگی صورت بدهند.

۳. پیشینه پژوهش

نخستین موضوع مورد بررسی از طرف نشانه‌شناسان انتخاب عناصر فرهنگی به‌خصوص مفهوم نشانه‌شناسی فرهنگی منجر شد. براون (2007) به اهمیت فراگیری فرهنگ دوم، در کتاب خود اشاره می‌کند و بیان می‌کند از آن‌جا که یادگیری فرهنگ مهم است؛ باید بدانیم منظور ما از فرایند یادگیری فرهنگ چیست. به اعتقاد براون بسیاری از زبان‌آموزان کلاس‌های زبان خارجی؛ فرهنگ را لیستی از واقعیاتی می‌پندارند که زبان‌آموزان بدون هیچ‌گونه تماس درخور توجه با آن فرهنگ به‌شکل شناختی یاد می‌گیرند، درحقیقت می‌گویند که یادگیری فرهنگ فرایندی است برای ایجاد معنای مشترک بین دیدگاه‌های فرهنگی. یادگیری فرهنگ فراگیری یک هویت دوم است که خلق این هویت جدید مرهون یادگیری فرهنگ و به عبارتی؛ فرهنگ‌پذیری است.

رضایی و علی‌پور (۱۳۹۱)، با استفاده از نظریه هلیدی نقش‌های هفت‌گانه‌ی زبان را در مجموعه فارسی بیاموزیم بررسی نموده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که این مجموعه به نقش تعاملی، اطلاع‌رسانی و اکتشافی زبان توجه به‌خصوصی داشته و از این نظر مطابق با اصول رویکرد ارتباطی است. صحرایی و شهباز (۱۳۹۱)، برخی منابع آموزش فارسی از جمله سه کتاب نخست مجموعه فارسی بیاموزیم را بر اساس انگاره اندرسون بررسی نموده‌اند. از بین شش عنوان مطرح شده در این انگاره شامل «فعال‌سازی دانش پیشین، گسترش گنجینه‌ی واژه‌ها، آموزش درک، افزایش سرعت خواندن، تأیید راهبردها و ارزیابی پیشرفت» متون خوانداری این سه کتاب از مجموعه فارسی بیاموزیم به مؤلفه‌های این انگاره توجهی نداشته و فقط به مؤلفه‌ی «گسترش گنجینه‌ی واژه‌ها» توجه کرده‌است.

اله‌یار (۱۳۹۳)، به توصیف و تحلیل مجموعه «فارسی بیاموزیم» بر اساس الگوی لیتل جان (۲۰۱۱) پرداخته، و در سه مرحله شکل گرفته‌است. در این الگو تنها به ویژگی‌های آموزشی و زبان‌شناختی توجه شده و مواد درسی بدون توجه به بافت بررسی شده‌اند. در ابتدا کل مجموعه آموزشی به صورت سطحی توصیف و سپس تکالیف کتاب‌های درسی به شکل عینی بررسی شده‌اند. مفهوم تکلیف در این الگو گسترده‌تر و متفاوت با تعریف‌های رویکردهای تکلیف‌محور است و به پیشنهاد عملی موجود در کتاب درسی که منجر به یادگیری زبان شود، اطلاق می‌گردد. و در نهایت با توجه به ویژگی‌ها و اصول زیربنایی در سه رده‌ی «نقاط قوت»، «نقاط ضعف» و «سایر ویژگی‌های وابسته به بافت» ارائه شد.

۴. روش‌شناسی پژوهش

روش این پژوهش مبتنی بر رویکرد نشانه‌شناسی فرهنگی و در بررسی متون در چارچوب نشانه‌شناسی فرهنگی که شاخه‌ای از علم نشانه‌شناسی می‌باشد این آزادی عمل وجود دارد تا از روش‌های دیگر نشانه‌شناسی در این زمینه استفاده شود، که به ماهیت این دانش در تحلیل نشانه‌شناختی رخ می‌دهد. نشانه‌شناسی با رشته‌های فراوانی از جمله جامعه‌شناسی، قوم‌نگاری، روان‌شناسی، انسان‌شناسی، زبان‌شناسی شناختی و زیست‌شناسی در تعامل است. ساسانی (۱۳۸۹) می‌گوید نشانه‌شناسی دارای رویکردی چندرشته‌ای است که هم‌پوشانی زیادی با تحلیل گفتمان در زبان‌شناسی دارد. از رمزگان فرهنگی در دو فرهنگ «خود» و فرهنگ «دیگری» و ابعاد فرهنگ، مبنای طبقه‌بندی برای تحلیل متون مجموعه‌ی «فارسی بیاموزیم» درنظر گرفتیم. بعد از جمع‌آوری رمزگان فرهنگی از این مجموعه، به چگونگی بازنمایی هر یک از آن‌ها در ارتباط با «خود» و «دیگری» می‌پردازیم، در حقیقت دو مرحله‌ای که اولین فعالیت نشانه‌شناسی، همان‌طور که ون لیون(2005) اشاره می‌کند «جمع‌آوری، مستندسازی و طبقه‌بندی نظام‌مند منابع نشانه‌ای» دانست. موقعی که نشانه‌ها گردآوری می‌شود، فرصتی است که مفاهیم مطرح در نشانه‌شناسی فرهنگی درباره یکایک رمزگان ارزیابی شود. در پایان

با بررسی و مقایسه‌ی نتایج برگرفته از رمزگان و ابعاد فرهنگ، به بحث در مورد مشخصه‌های بازنمایی خود و دیگری و تعامل آن‌ها در مجموعه فارسی بیاموزیم می‌پردازیم.

۵. ارائه و بررسی داده‌ها

ابتدا در چارچوب بررسی رمزگان‌های مختلف به چگونگی بازنمایی خود و دیگری فرهنگی در مجموعه‌ی «فارسی بیاموزیم» می‌پردازیم و در ادامه شاخص‌های این بازنمایی مورد شناسایی و بررسی قرار می‌گیرند.

۵. ۱. چگونگی بازنمایی مکان

اگر فضا را به دو صورت طبیعی و مصنوع بتوانیم، در نظر بگیریم؛ مکان قسمت مصنوع و در نتیجه؛ قسمت فرهنگی فضا می‌تواند باشد. به بیانی دیگر هر مکان نتیجه فعالیتی معنادار بر روی فضایی طبیعی است. ازاین‌رو رمزگان مکان؛ پهنه‌ی وسیعی در زندگی انسان امروزی به‌همراه دارد. همواره زندگی ما در ارتباط با مکان‌های متفاوت معنی پیدا می‌کند. در حقیقت در درجه‌ی اول این بشر است که به مکان معنا می‌دهد و در ادامه مکان به بشر هویت و معنا هدیه می‌کند. به عبارتی سجودی (۱۳۹۰) می‌گوید «رابطه‌ای دوسویه بین انسان و مکان وجود دارد». ساسانی (۱۳۹۰) گفته‌است هر مکان خاص یادآور چیزی است خاطره‌انگیز برای جمعی از ملت یا همه‌ی ملت. به عبارتی این تداعی‌ها مُدام در شبکه و فضای فرهنگی نشانه‌ای و بینامتنی ویژه‌ای به متون دیگری اشاره می‌کند.

حضور نشانه‌هایی در عرصه زندگی روزانه که پیوسته در برابر دیدِ ساکنان منطقه‌ای احساس می‌شود، به‌مانند پدیده‌هایی که در کشورها مشاهده می‌شود، در هویت‌یابی تأثیر وافری دارند. بشر با نماد/تمثیل نوعی قلمرو برای فرهنگ، آداب و سُنن، دین و شیوه زندگی خود عرضه می‌کند، و نکته‌ای مهم، که فرهنگ‌های متنوع برای ارائه‌ی ویژگی‌های فرهنگ خود به‌طورمعمول با نماد و تصویرسازی و با ساختن الگوهایی بر پررنگ کردن تفاوت‌های فرهنگ خود از سایر فرهنگ‌ها اصرار می‌ورزند. دیدن نماد/تمثیل یک سرزمین، در سطح دنیا بر افکار دیگر فرهنگ‌ها تأثیر می‌گذارد. نمادی که در حدومرز سرزمینی شناخته‌شده باشد؛ در عرصه‌ی جهان، قابل شناختن و عامل جداسازی از سایر فرهنگ‌ها می‌باشد. درج کردن نمادی از یک سرزمین در کتاب‌ها، فیلم و سریال‌ها، تبلیغات و این‌روزها از طریق اینترنت بر شناسایی، تأثیرگذاری و پذیرش آن نماد ویژه در سطوح بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی می‌شود؛ بدین سبب نماد تبدیل به نشانه‌ای از سرزمینی و یا فرهنگی ویژه می‌شود. سجودی (۱۳۹۰) بیان می‌کند که مکان به‌دست عواملی هم‌چون جنسیت، ثروت، طبقه‌ی اجتماعی، قدرت سیاسی، سطوح آموزش، سن و تاجائی‌که شغل را نشان‌دار می‌کند و این فرایند نشان‌داری در حقیقت قسم مهمی از فرایند تثبیت یک ما در مقابل یک دیگری می‌باشد.

الف: مکان «خود»

مکان در مجموعه‌ی «فارسی بیاموزیم» در ارتباط با خود در دو سطح قابل بررسی است. سطحی که مکان‌هایی نظیر خیابان، خانه، میدان، پارک، بانک، بیمارستان، فروشگاه، رستوران، دفتر پستی، سینما و... را شامل می‌شود و به طور کلی؛ این اماکن را نمی‌توان در ارتباط با شخصیت‌بخشی به هویت خود در مقابل دیگری به‌شمارآورد. سطح دیگر شامل مکان‌هایی مانند بناهای تاریخی، آرامگاه شخصیت‌ها و مشاهیر ایرانی و مکان‌های مذهبی، که می‌توان آن را از روی پیوند با بعضی رمزگان‌ها، به بازنمایی هویت خود در برابر دیگری مرتبط محسوب کرد. در این مجموعه در بازنمایی تصویری و نوشتاری موضوع‌هایی که در سطح دوم بر مکان خود مرتبط هستند، مشاهده می‌شود. اغلب در تصاویر حضور افراد را نمی‌بینیم، در حقیقت این نوع بازنمایی گاهی از طریق نبود سوژه و گاهی از طریق تکرار انواع خاصی از تصویر مکان و یا هر دو به نشانگی بعضی اماکن و در حقیقت به بازنمایی اهمیت آن‌ها در فرهنگ ایران زمین می‌پردازد.

بازنمایی اماکن تاریخی شامل بناها و کتیبه‌های متفاوت جامانده از دوره‌های هخامنشی و صفویه در جهت بازنمایی یک خود پرقدرت است که دارای قدمت دیرینه‌ای می‌باشد و این نوع بازنمایی در این مجموعه از روش تکرار عمل کرده و بر خود بنا، کتیبه و یا اشیای تاریخی تأکید می‌ورزد. به همین منظور، در این مجموعه اُبهت تمدن ایرانی را در دوره‌های مختلف تاریخی بازنمایی نموده‌است. برای مثال در صفحه‌ی ۱۰۸ از جلد دوم این مجموعه در مورد شیراز و مکان‌های جذاب آن و آثار باستانی باشکوهی که دارد؛ از جمله باغ دلگشا، باغ ارم، حمام و بازار وکیل، سعدیه و حافظیّه که از امکان دیدنی این شهر هستند به‌همراه چند تصویر بازنمایی شده‌است. در صفحه‌ی ۲۱۸ مجموعه تخت‌جمشید را این‌گونه معرفی نموده:

«در فاصله‌ی ۶۴ کیلومتری شمال شیراز و در نزدیکی مرودشت، باقی‌مانده‌ی کاخ‌های بزرگی دیده‌می‌شود. این کاخ‌ها از بزرگترین آثار تاریخی ایران و از شاهکارهای معماری ایران باستان هستند. به مجموعه‌ی آن‌ها تخت‌جمشید گفته می‌شود. تخت‌جمشید در خارج از ایران به نام پرسپولیس شناخته شده‌است. این مجموعه در حدود ۲۵۰۰سال قبل به دستور داریوش اول، پادشاه ایرانی، ساخته شده است. مهمترین کاخ‌های این مجموعه، کاخ آپادانا، تالار صد ستون و کاخ صد دروازه هستند. بخش‌های مهمی از تاریخ ایران باستان روی سنگ‌نوشته‌های این مجموعه دیده می‌شود. متن آن‌ها، که با خط قدیمی نوشته شده، توسط دانشمندان ایرانی و خارجی خوانده شده‌است.

نقش‌ها و نوشته‌های روی سنگ‌ها، ما را تا حد زیادی با آداب، رسوم، پوشش و خوراک مردم آن زمان آشنا می‌کنند. هر سال، هزاران جهانگرد از این مجموعه‌ی بی‌نظیر دیدن می‌کنند». بازنمایی مکان در فرهنگ خود تنها به این متن پایان نمی‌پذیرد، برای مثال در درس بیست‌ودوم از جلد دوم این مجموعه با عنوان «سفر خوبی داشته باشید»، به معرفی اصفهان، نصف جهان پرداخته و از جاذبه‌های گردشگری، اماکن تاریخی و

مذهبی مانند: مسجد جامع، مسجد شیخ‌لطف‌اللّه، پل خواجو، سی‌وسه‌پل، مدرسه چهارباغ چهل‌ستون، عالی-قاپو، منارجنبان و میدان نقش‌جهان پرداخته، از هنر صنایع دستی این شهر مثل قلم‌کاری، نقره‌کاری، خاتم-کاری و مینیاتور که شهره‌ی عام‌وخاص است آن‌را به دانشجوی غیرایرانی هم‌راه متن و تصویر معرفی می‌کند. در درس بیست‌وهفتم همین جلد به معرفی همدان، که در گذشته به آن هگمتانه می‌گفتند همراه متن و تصویر پرداخته، به شاعر مشهور ایرانی؛ باباطاهر عریان و ترانه‌های زیبایش، که نام همدان را زنده می‌کند. حکیم و دانشمند بزرگ ایرانی، ابوعلی‌سینا که آرامگاهش در این شهر واقع است.

از مراکز دیدنی و جذاب شهر که از عجایب خلقت این روزگار محسوب می‌شود، غار علی‌صدر که تنها با قایق می‌توان از قندیل‌های یخی و شکل‌های طبیعی ساخته‌شده از سنگ را حرکت کرد و زیبایی‌های آن‌را نظاره کنیم. از اماکن دیدنی دیگر مثل گنج‌نامه، لاله‌جین، و میدان شیرسنگی که همگی حکایت از قدمت ۲۷۰۰ ساله این شهر دارد که به زیبایی توصیف شده‌است. و در ادامه درس ششم باعنوان «دیروز کجا بودی» در متن و تصویر به معرفی کاخ‌موزه‌های تهران پرداخته، این کاخ‌ها زمانی محل اسکان پادشاهان بوده و امروزه به موزه تبدیل شده‌اند.

کاخ گلستان که دویست ساله است و در مرکز تهران نزدیک بازار واقع شده‌است و معروف‌ترین ساختمان آن شمس‌العماره می‌باشد.؛ موزه‌ی مردم‌شناسی از دیدنی‌های این کاخ است. در باغ بسیار بزرگ و باشکوهی مجموعه کاخ‌های سعدآباد قرار دارد که در آن مجموعه موزه‌ی نظامی واقع است. کاخ‌های نیاوران و صاحب-قرانیه مثل مجموعه سعدآباد در شمال تهران قرار دارند که در آن‌جا نقاشی، تابلو و اشیای قیمتی و فرش‌های نفیس و گران‌بهایی نگهداری می‌شود. هم‌چنین در متن این کتاب به بازنمایی دو نوع خود پرداخته، در ابتدا برج آزادی که کنشی است که به‌عنوان یک نماد در فضای متن ادبی آمده و به همین دلیل نماینده اصلی خود در تقابل با دیگری فرهنگی بازنمایی شده‌است. دوم کنشی که در متن با نمادهایی از برج ساعت بیگ‌بن در لندن و برج ایفل در پاریس که به‌عنوان فرهنگ دیگری بازنمایی شده، چنین نشانه‌هایی که به صورت ذهنی و انتزاعی یادآور مکان آن نشانه هستند و نماد آن فرهنگ یا کشور محسوب می‌شوند. سجودی (۱۳۸۸) در تحقیقی نشانه‌شناختی درمورد ارتباط‌های بینافرهنگی، به این‌که پیش شرط هر کنش ارتباطی وجود یک من و یک تو اشاره می‌کند؛ یا به عبارتی وجود یک خود و یک دیگری، در ارتباطات فرهنگی، رمزگان‌های ارتباطی و ماهیت متون فعال در ارتباط با مطالعه‌ی چیستی من و تو می‌پردازد. یافته‌های وی حاکی از آن است که فرهنگ به‌تنهایی معنا ندارد و هر فرهنگ پیوسته از روی وجود یک دیگری فرهنگی صورت می‌گیرد و وابسته به ارتباطات بین فرهنگی می‌باشد. سجودی (۱۳۸۸) در تحقیق دیگری می‌گوید «هر فرهنگی فضای خود را آگاه، آرامش‌بخش، متعارف و انسانی تلقی می‌کند و در تقابل با آن و برای تأیید آن، مُدام دیگری عجیب،

نامتعارف و غیره را خلق می‌کند»؛ نمودار مکتب تارتو را تعدیل می‌کند و دیگری را دیگری فرهنگی می‌نامد. در شکل۴ تصویری برای بازنمایی مکان مشاهده می‌شود.

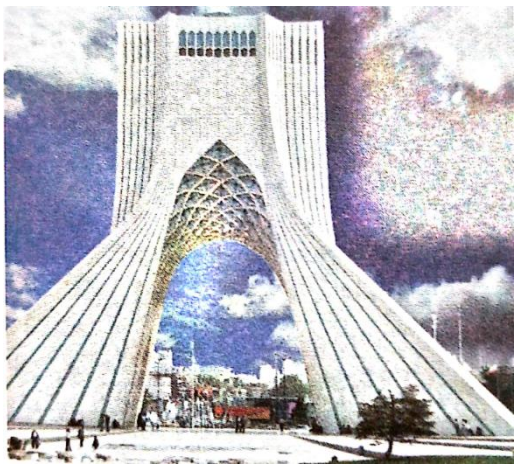

شکل۴. تصویری برای بازنمایی مکان

ب: مکان «دیگری»

مکان دیگری در این مجموعه، در قالب تصویر و یا متن نوشتاری به شکل مستقل مورد بازنمایی قرار نگرفته‌است. سه تصویری که مکان را در خارج از مرز ایران بازنمایی می‌کنند برج ساعت «بیگ‌بن» در لندن، برج «ایفل» در پاریس و شهر «نیویورک» در ایالات‌متحده‌امریکا در قلمرو فرهنگ خود قرار گرفته‌است.

۵. ۲. چگونگی بازنمایی پوشاک

انسان از روزی که به‌دنیا آمد، خود را موظف به قانونی ازلی دانست که تن خود را همیشه بپوشاند، که این پوشش در اکثر جوامع امری بدیهی است. در بعضی از اقوام بدوی در این زمینه استثناء وجود دارد ولی در جامعه‌ای که تمدن هست پوشش امری الزامی به‌نظرمی‌آید. امروزه لباس به‌عنوان نمادی از فرهنگ و هویت ملی در هر جامعه تلقی می‌شود. به عبارتی یکی از مهم‌ترین نماد و مؤلفه‌ی فرهنگی در یک کشور لباس است.

فرهنگ ایرانی، از فرهنگ‌هایی می‌باشد که همواره تنوع بسیار زیادی در مورد پوشاک گروه‌های متفاوت اجتماعی را پذیرا شده‌است. بنابراین رمزگان پوشاک یکی از پرکاربردترین و صریح‌ترین وجوه فرهنگی هر جامعه می‌توان درنظرگرفت. اگرچه بنیادی‌ترین کارکرد پوشاک، در برابر عوامل طبیعی و محیطی متفاوت، مراقبت از بدن انسان است.

پوشاک در مقوله‌ی نظام نشانه‌ای و در یکی از رمزگان‌های فرهنگی قرار دارد و سرانجام معنی‌سازی و معنی‌داری آن را در ارتباط با اجتماع انسانی و فرهنگ هر جامعه تحلیل کرد. پاینده (۱۳۹۰) بیان می‌کند که لباس‌ها به‌تنهایی حائز هیچ معنای تعیین شده نیستند بلکه مغایرت و شالوده اجتماعی پوشیدن این لباس‌ها می‌باشد که عمل‌کرد فرهنگی آن‌ها را همسان نشانه معین می‌کند. رمزگان پوشاک در ارتباط با ساختارهای متفاوت اجتماعی مانند لباس ورزشکاران، نظامیان، کشاورزان، حاکمان روحانیت، اقلیت‌ها، لباس‌های درونی و بیرونی، رسمی و غیررسمی و... می‌تواند در ارتباط با دیگر رمزگان مانند آداب و رسوم مورد توجه قرار گیرد. رمزگان پوشاک، علاوه‌بر بعد هم‌زمانی؛ دارای بعد درزمانی نیز هست و در تاریخ هر فرهنگ دگرگونی دارد که می‌توان برای توصیف پدیده‌های اجتماعی متعدد بهره برد. رمزگان پوشاک نظیر سایر نظام‌های نشانه‌ای از ساختار نحوی برخوردار است و به عبارتی انتخاب و ترکیب شیوه کار است. «هنگامی‌که قصد لباس پوشیدن داریم، مدام در شبکه‌ای از متون و پیرامتن‌ها از مجموعه‌ی امکانات (محور جانشینی) برمی‌گزینیم و با توجه به قواعد ترکیب‌پذیری؛ آن‌ها را با هم ترکیب می‌کنیم. رابطه ترکیب‌پذیری منوط‌به قسمی از فرهنگ است که رفتارهای فرد را کنترل و قواعدی خلق می‌کند» (سجودی، ۱۳۷۸).

الف: پوشاک «خود»

در مجموعه‌ی «فارسی بیاموزیم» چگونگی بازنمایی پوشش خود را در سطوح مرکز و حاشیه می‌توان، تقسیم نمود. این نوع تقسیم ازآنجایی صورت گرفت که نحوه‌ی بازنمایی پوشش در موقعیت-های متفاوت زندگی شهری، به نوع خاصی از پوشش رسمی محدود می‌شود که در پوشش مرکزی خانم‌ها با مانتو، شلوار، مقنعه و یا روسری که به‌طور معمول تیره هستند و آقایان با پیراهن و شلوار، کت و شلوار و تی‌شرت بازنمایی می‌شوند.

قبایل، طوایف و عشایر گوناگونی در ایران زندگی می‌کنند که باوجود تنوع آداب و رسوم ویژه‌ی خود، لباس‌هایشان دارای خصوصیت‌های خاصی است که آن‌ها را از دیگران جدا می‌کند و هویتی ویژه می‌دهد. این پوشاک اگر به صورتی دیگر بازنمایی شود که زندگی اقوام روستایی و عشایری، غیر فارسی‌زبان در ایران و خود درزمانی مرتبط باشد. بنابراین پوششی که هم‌چون پوشش شهری در این مجموعه کتاب بازنمایی شده، دقیقاً عدم استفاده از تنوع، پوشش رسمی و مرکزی در نظر گرفته شده، و پوشش‌های دیگر که تنوع آن بسیار زیاد است کم‌تر بازنمایی شده و در حاشیه قرار دارد. بازنمایی محدود حاشیه هم‌چون قسمی از فرهنگ، از بازنمایی مرکزی قوی جلوگیری می‌کندبازنمایی پوشش مرکز می‌تواند از نظر رمزگان گسترده‌ی پوشاک برای جذب، در سپهر نشانه‌ای فارسی‌آموزان را نیز توصیف کرد. در این مجموعه لباس‌های اقوام ایرانی به‌طور محدود بازنمایی شده به‌عنوان مثال در جلد دوم صفحه‌ی ۸۴ و ۸۵ لباس‌های محلی با بازنمایی اشخاص نشان داده شده‌است. بازنمایی پوشش‌هایی مانند کلاه، دستکش، پالتو، عینک، جوراب، ساق، چکمه، کراوات، کمربند،

چادر، شال و غیره دراین مجموعه کمی کم‌رنگ بازنمایی شده. پوشاک در موقعیت‌های مختلف مانند مراسم جشن ازدواج، مراسم سوگواری، مهمانی‌ها و یا اماکن مذهبی در این مجموعه خبری از بازنمایی نیست. در شکل ۵ تصویری برای بازنمایی پوشاک مشاهده می‌شود.

شکل۵. تصویری برای چگونگی بازنمایی پوشاک

ب:پوشاک «دیگری»

خبری از بازنمایی پوشاک دیگری نیست. پوشش‌های دیگری فرهنگی که هم‌سو با فرهنگ ایران زمین وجود ندارد و نه فقط در حاشیه و مرز به‌چشم نمی‌خورد، بالعکس همگی از سپهر نشانه‌ای طرد شده، چون پوشاک دیگری به‌علت دیگری بودن امکان بازنمایی در یک فضای عمومی و سپهرنشانه‌ای ایرانی را ندارد و احتمال دارد در صورت جذب، قدرت مرکز سپهرنشانه-ای را تهدید کند. از سویی دیگر موقعیت‌هایی هست که رمزگان پوشاک در ارتباط با این موقعیت‌ها از معنی‌سازی تأثیرگذاری بهره‌مند است در صورتی‌که چنین موقعیت‌هایی در کل نیست مثل خرید و فروش پوشاک در موقعیت‌های مختلف.

۵. ۳. چگونگی بازنمایی خوراک

در دنیای کنونی، جای‌گاه غذا در زندگی بشر از نیازی فیزیولوژیک فراتر رفته و ابعاد اجتماعی، فرهنگی، سیاسی واقتصادی گرفته‌است. خوراک هم‌چون پوشاک دو کارکرد اصلی را داراست. در ابتدا خوراک یکی از نیازهای اولیه‌ی زندگی انسان و ضرورتی برای بقا می‌باشد و در درجه دوم، از لحاظ فرهنگی خوراک است.

آداب و رسوم خوراکی مردم ایران یکی از مشخصه‌های فرهنگی آنان محسوب می‌شود. اقوامی که تمدن پیشرفته دارند، از فرهنگ غذایی غنی برخوردارند. بسیاری از افراد فرهنگ ایرانی را ارزیابی کرده‌اند و آن را دارای جنبه‌های مادی و معنوی می‌دانند. یکی از جنبه‌هایی که بر سفره ایرانی حاکم است نوع خوراک، وعده‌های غذایی متفاوت، حلال در برابر حرام، تهیه و کیفیت غذا، ابزار و وسایل پخت‌وپز، آداب آشپزی، غذای نذری، مراسم جشن، سوگواری و مهمانی، مقوله‌های تعارف و مهمانی‌کردن و یا به مهمانی‌رفتن. سیاحان، شماری از غذاها ونوشیدنی‌ها را جنبه ملی درنظر می‌گیرند، با بررسی دیدگاه آن-ها معلوم می‌شود که فرهنگ خوراک ایرانی ریشه در ارزش‌های سنتی و مذهبی دارد و از قرن نوزدهم ارتباط و تعامل با اروپائیان از فرهنگ آنان تأثیر گرفته‌اند. فاستر و اندرسون (۱۳۹۰) بیان می‌کنند که خوراک بر روابط اجتماعی به‌عنوان یک فعالیت معنی‌دار تأثیر می‌گذارد، اعتقادات و دین را تحکیم و بسیاری از الگوهای اقتصادی را مشخص می‌کند و بر قسمت بزرگی از گردش زندگی روزانه ناظر می‌باشد. رمزگان خوراک بر سایر رمزگان‌ها از جمله زبان در هر فرهنگ تأثیر دارد و از انواع ضرب‌المثل‌ها مانند «بوی قرمه‌سبزی دادن سر»، «آشپز که دو تا شد، آش یا شور می‌شود یا بی‌نمک»، «با حلوا حلوا گفتن دهان شیرین نمی‌شود» و یا «نان‌آور خانه بودن» گرفته تا ربط دادن حالت‌های تهیه‌ی غذا به رفتار و منش انسان‌ها و مزه‌ها مثل شیرین، ترشیده، بانمک، تند، جوشی، سرد و گرم در گروه خوراک بازتاب دارند.

الف: خوراک «خود»

در بررسی نحوه‌ی بازنمایی خوراک خود در مجموعه‌ی «فارسی بیاموزیم» آن‌چه توجه را جلب می‌کند، این است که «خود» در تصاویر و متون این مجموعه در کنش خوردن یا کنش‌های مربوط به آن مثل آشپزی و یا خرید مواد غذایی بازنمایی شده است. در فرهنگ ایرانی با قاشق و چنگال غذا می‌خورند و به‌ندرت از کارد استفاده می‌کنند، که این در تصویرها بازنمایی شده‌است. در متن درس هشت با عنوان چه میل دارید؟ به بازنمایی متنی وتصویری خوراک «خود» پرداخته و این به نوعی دعوت دیگری به غذای خوشمزه‌ی ایرانی است، که خوراک در ارتباط با رمزگان آداب و رسوم بازنمایی شده که در رستوران به معرفی غذاهای ایرانی و فرنگی پرداخته و غذای فرنگی «دیگری» که در این متن کم‌رنگ بازنمایی شده است. در درس چند غذای ایرانی از جمله چلوکباب، جوجه‌کباب، سبزی‌پلو با ماهی و چند دسر و نوشیدنی که به‌همراه منوی غذا بازنمایی

می‌کند. در این موقعیت می‌توان خوراک را به‌عنوان محور اصلی و معرفی سفره‌ی ایرانی که خوشمزه‌ترین و لذیذترین غذاهای دنیا را در ایران علاوه‌بر غذاهای سنتی و معروف انواع آش و آبگوشت که هر شهر ایران غذای مختص به خودش را دارا می‌باشد که در تبریز به «کوفته‌ی تبریزی»، در گیلان به «میرزاقاسمی و باقالی قاتوق»، در اصفهان به «بریانی»، در مازندران به «ماهی شکم‌پر» و به انواع دسرهای ایرانی مثل شیربرنج، شله‌زرد، حلوا، فالوده و مسقطی را با تصاویر و متون بازنمایی نموده است.

همین‌طور در درس دوازدهم از سفره‌ی هفت‌سین و از «سیر، سرکه، سمنو، سنجد، سماق، سیب/سکه، سبزه، آینه، تخم‌مرغ، قرآن و تنگ ماهی» و از غذای مخصوص شب عید سبزی‌پلو با ماهی که با تصویر و متن بازنمایی شده، و هم‌چنین درس پانزدهم با عنوان شب یلدا چه شبی است؟ که میزبان این مراسم مهمانی برای مهمانان، انواع میوه مثل هندوانه، انار و آجیل و شیرینی تهیه می‌کند. این شب طولانی‌ترین شب سال که با این خوردنی‌های مخصوص، شعرخوانی و فال حافظ افراد حاضر در مهمانی از گفت‌وگو با هم لذت می‌برند. در این موقعیت می‌توان خوراک را به عنوان محور اصلی مراسم شب عید و شب یلدا محسوب کرد، به گونه‌ای که بدون آن‌ها رسم و رسوم شب عید و شب یلدا معنای خود را از دست می‌دهند. رمزگان خوراک در قالب ضرب‌المثل در این مجموعه به‌عنوان نمونه«آشپز که دو تا شد آش یا شور می‌شود یا بی‌نمک» و یا «با حلوا حلوا گفتن دهان شیرین نمی‌شود». در این بازنمایی نکته قابل توجه عدم استفاده از امکانات گوناگون شکل ۶ برای جذب و تأمین رمزگان مورد نیاز در جهت صورت‌گیری بهتر سپهر نشانه‌ای فارسی‌آموزان است.

شکل۶. تصویری برای جذب و تأمین رمزگان خوراک

ب: خوراک «دیگری»

برای بازنمایی خوراک دیگری در درس هشتم جلد دوم این مجموعه سارا با دوستش جولیا به رستوران می‌روند، که سارا می‌گوید: از بهترین رستوران‌های تهران است چون هم غذای ایرانی دارد و هم فرنگی. که جولیا ترجیح می‌دهد چلو کباب برگ، و دوغ بخورد که خوراکی ایرانی محسوب می‌شود. در این بازنمایی دیگری به‌مثابه دیگری نزدیک تلقی می‌شود، چون این دیگری در حال یادگیری زبان فارسی است و در ایران است که خوراکی ایرانی می‌خورد. بنابراین هیچ‌گاه دیگری در حال خوردن خوراکی که مخصوص فرهنگ خودش باشد شاهد بازنمایی آن نیستیم. فقط منوی غذا در رستوران که در صفحه‌ی ۷۴ کتاب چند غذا، نوشیدنی و دسر فرنگی و ایرانی بازنمایی شده‌است (شکل۷).

شکل۷. تصویری برای چگونگی بازنمایی خوراک «دیگری»

۵. ۴. چگونگی بازنمایی جنسیت

در بررسی بازنمایی جنسیت، نیاز است دو مفهوم جنس و جنسیت از یکدیگر شناسایی کنیم. به صورتی که مفهوم جنس به لحاظ زیستی به هویت انسان تعلق دارد، اما جنسیت این‌طور نیست؛ بنابراین برساختی اجتماعی- فرهنگی ایجاد می‌کند که در بستر زندگی اجتماعی و قراردادهای آن شکل می‌گیرد و بدین سبب نقش‌هایی که ازروی چنین مفهومی تعیین شود همیشه تغییر می‌کند. نقش جنسیتی مشخصه‌های زنانه و مردانه را در اجتماع توصیف می‌کند. در متون آموزشی که صحنه‌ی رویاروی خود و دیگری است؛ بازنمایی جنسیت ابعاد تازه‌ای را در برمی‌گیرد. حال به بازنمایی جنسیت در مجموعه‌ی «فارسی بیاموزیم» که شامل تصاویر، خویشاوندان، والدین، و نقش های شغلی می‌پردازیم.

الف: جنسیت «خود»

بازنمایی نقش‌های جنسیتی در این مجموعه کتاب به بررسی میزان توجه به تصویرهای جنسیتی و نقش‌های شغلی هر دو جنس توجه شده‌است، که سوگیری جنسیتی در این مجموعه به سمت مردان است. این قضیه

را در بعد هم‌زمانی در ارتباط با خود در مرکز و در تحلیل بازنمایی شغل و به ورزش زنان و مردان پرداختن، می‌توان، مشاهده کرد. زمانی‌که مردان در شغل‌های پزشکی، پلیسی، مهندسی، کارمندی، فروشندگی،کارخانه-داری، کارگری، آژانس املاکی و غیره بازنمایی می‌شوند؛ غالباً زنان پر احساسند و فرض می‌شود که آن‌ها علاقه‌ی وافر به پرورش و مراقبت دارند، در شغل‌های پرستاری، معلمی، خانه‌داری، آشپزی و بافندگی بازنمایی شده‌است. در این بازنمایی مردان در بازنمایی تصویری مشاغل نیز سهم بیشتری دارند و اکثریت شغل آن‌ها با تصویر بازنمایی شده‌است و زنان در پرستاری،معلمی و بیشتر در امر خانه‌داری مانند طبخ غذا، ظرف شستن، نظافت کردن،به خرید رفتن و فرش‌بافی بازنمایی تصویری شده‌اند. در شکل ۸ تصویری برای چگونگی بازنمایی نقش‌های جنسیتی مشاهده می‌شود.

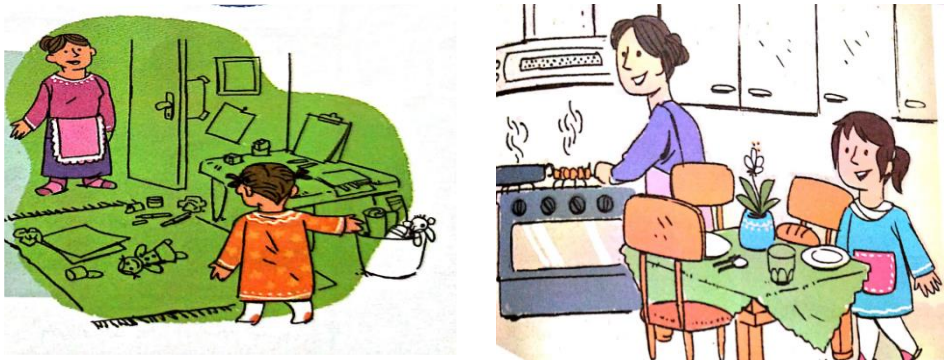

شکل۸. تصویری برای چگونگی بازنمایی نقش‌های جنسیتی

در بازنمایی خانواده نیز به شکلی است که مردان در خانه مشغول تلویزیون تماشاکردن، مطالعه‌ی کتاب ویا مسئول کارهای بیرونی هستند و زنان در خانه، مشغول آشپزی، به گلها آب‌دادن و یا نظافت می‌باشند. در درس هجدم با عنوان هر روز چه کار می‌کنید؟ جلد اول (ویراست دوم) نقش پدر خانواده که مسئول کارهای بیرون است به‌خوبی توصیف شده که آقای شهبازی صبح زود فرزندان خود را به مدرسه می‌برد و بعد به فروشگاهش در شهر نیویورک می‌رود که از صبح تا شب بیرون از خانه مشغول کار است. در صفحه‌ی ۱۹۳ همین کتاب خانم امینی به دخترش مریم می‌گوید که اتاقش خیلی کثیف است و خودش هم باید ظرف‌های کثیف را بشوید. در درس بیست‌وششم که در بازنمایی تصویر و متن به‌وضوح دیده می‌شود که مادر در حال آشپزی کردن و پدر خانواده در حیاط مشغول تعمیر ماشین است. در صفحه ۲۰۷ همین درس که در خانه پدربزرگ هستند، بچه‌ها در حیاط مشغول بازی کردن، پدر و عمو در حال تلویزیون تماشا کردن، مادربزرگ درحال آب دادن به گل‌ها و مادر و عمه در حال غذا پختن هستند. که این نشان می‌دهد در بازنمایی جنسیت سطح مردان، به مراتب بیشتر است و با ارائه‌ی این متون رمزگان جنسیت در سپهر نشانه‌ای زبان مقصد

زبان‌آموزان غیر فارسی‌زبان، زنان را در چارچوب این مسئولیت‌ها نشان می‌دهد. در بازنمایی ورزش، مردان در حال انجام ورزش‌های فوتبال، اسکی، و شنا هستند، و به معرفی تعدادی از فوتبالیست‌ها از جمله ناصر حجازی ، علی پروین، علی دایی و مهدی مهدوی‌کیا که در درس چهارم جلد دوم به بازنمایی تصویری پرداخته است. در حالی‌که زنان در هیچ نوع ورزشی بازنمایی نشده‌اند. در بازنمایی درزمانی جنسیت که تصاویر متفاوتی در ارتباط با مشاهیر ایران زمین که در این مجموعه، مملو از بازنمایی مشاهیر مرد از شاعر، فیلسوف، فیزیک‌دان، نگارگر، نویسنده، کارگردان، دانشمند و پادشاه می‌باشد. در بازنمایی زنان در این سطح چیزی به‌چشم نمی-خورد.

ب: جنسیت دیگری

در بررسی رمزگان‌های پیشین بیان شد، در بیشتر موارد بازنمایی دیگری در ایران صورت گرفته‌است. بنابراین بررسی رمزگان جنسیت در ارتباط با دیگری به همین منظور از این حضور متأثر خواهد بود و رمزگانی که در قلمرو دیگری قرار دارد، در این نوع بازنمایی به آن صورت مقدور نیست. در بازنمایی صنایع دستی که از رمزگان فرهنگی در جوامع تلقی می‌شود، در درس چهاردهم صفحه‌ی ۱۲۳ به بازنمایی هنر خاتم‌کاری در تصویر و متن این‌گونه بیان شده که خاتم‌سازی یکی از هنرهای بسیار قدیمی ایران است که سطح اشیا را به صورتی شبیه موزاییک با مثلث‌های کوچک، به صورت شکل‌های منظم هندسی آرایش می‌کنند. این مثلث‌ها را از انواع چوب و فلز و استخوان می‌سازند، هر چه مثلث‌ها ظریف‌تر باشد خاتم، مرغوب‌تر است. از شاهکارهای این هنر بارگاه امام علی (ع) در نجف و دیگر اتاقی با تمام وسایل آن در کاخ مرمر تهران است. هنر خاتم‌کاری در شهرهای شیراز و اصفهان رونق فراوانی دارد و سوغات این شهرها به شمار می‌رود. در متن درس پانزدهم به صنعت فرش ایران، که هزاران سال قدمت دارد و کیفیت فرش ایرانی به جنس، طرح، رنگ، و بافت آن وابسته است و این هنر در شهرهای کاشان، یزد، تبریز، اصفهان و کرمان رونق دارد. فرش در کنار نفت که در اقتصاد ایران نقش به‌سزایی دارد، به برجسته‌سازی فرهنگ خود می‌پردازد و در حاشیه که دیگری برای اولین بار این حرفه را فرامی‌گیرد. در بازنمایی رمزگان هنر مانند نقاشی به برجسته‌سازی خود پرداخته، از کمال‌الدین بهزاد نگارگر بزرگ ایرانی که در قرن دهم هجری می‌زیسته، و مینیاتورهای فراوانی از این استاد بزرگ برجای مانده است را معرفی می‌کند.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادهای آموزشی و پژوهشی

در بازنمایی‌های خود و دیگری در ارتباط با هر رمزگان مورد بررسی قرار گرفت، بدین گونه توصیف شد که نحوه‌ی بازنمایی‌ها در این مجموعه از رویکرد «خود» از طریق برخی سوژه‌ها که بیشتر در بعد درزمانی «خود» ارتباط دارد و خودی شکوهمند را به نمایش گذاشته است. بنابراین فرهنگ «دیگری» را به حاشیه برده و از

فرهنگ غیرخودی بهره‌ای نمی‌برد. در بازنمایی مکان خود، که به اماکن تاریخی از دوره هخامنشی و صفویه و تمام دوره‌های مختلف تاریخی از آثاری هم‌چون اشیای تاریخی، بناها، کتیبه‌ها، و مکان‌های جذاب مانند باغ دلگشا، باغ ارم، بازار وکیل، سعدیه، حافظیه، تخت جمشید، کاخ آپادانا، تالار صد ستون، مسجد جامع، پل خواجو، منارجنبان، میدان نقش جهان، غار علی‌صدر، میدان شیر سنگی، کاخ سعدآباد و ... را به نمایش گذاشته است. مکان دیگری در این مجموعه به شکل مستقل بازنمایی نشده است.

در بازنمایی پوشش خود، نوع خاصی از پوشش رسمی و مرکزی را در نظر گرفته است و پوشش‌های دیگر نظیر پوشاک اقوام ایرانی کمتر بازنمایی شده است. پوشش دیگری فرهنگی که با فرهنگ ایران همسو باشد، وجود ندارد. پوشاک دیگری، به دلیل دیگری بودن امکان بازنمایی در یک فضای عمومی و سپهر نشانه‌ای ایرانی را ندارد. خوراک خود که در ارتباط با رمزگان آداب و رسوم فرهنگ ایرانی و به معرفی غذاهایی از جمله آش، آبگوشت، کوفته تبریزی، بریانی، سبزی‌پلو با ماهی و ... به بازنمایی متنی و تصویری پرداخته است. دیگری به‌مثابه دیگری نزدیک محسوب شده است، این دیگری در حال یادگیری زبان فارسی و خوراک ایرانی می‌خورد. بنابراین هیچ‌گاه دیگری درحال خوردن خوراکی که مخصوص فرهنگ خودش باشد، بازنمایی آن را مشاهده نمی‌کنیم.

در بازنمایی فرهنگ خود به جشن نوروز که هویت ملی ایرانیان است، و برابر با اول فروردین، نخستین روز سال نو و آغاز فصل بهار که مردم از چند روز قبل به استقبال می‌روند، خانه‌ها را تمیز می‌کنند، لباس و وسایل نو خریدن، نشستن دور سفره هفت‌سین، دعا خواندن، تبریک گفتن، روی یکدیگر را بوسیدن، به یکدیگر عیدی دادن، به دید و بازدید رفتن، گاهی سفر رفتن و در آخر روز سیزدهم فروردین که به آن سیزده‌بدر گفته می‌شود در این مجموعه کتاب بازنمایی شده است. بازنمایی نمایش‌های قدیم ایرانی از جمله سیماچه، سوگ سیاوش و میرنوروزی که در راستای بازنمایی خود که هویتی باشکوه دارد. در بازنمایی فرهنگ دیگری خبری نیست. در بازنمایی فرهنگ خود که تعطیلی آن در روز جمعه است و فرهنگ دیگری که تعطیلی آن در روز یک‌شنبه است، بازنمایی صورت گرفته است. در بازنمایی فرهنگ خود از شاعرانی مانند فردوسی حکیم که شاهنامه را نوشت و زبان فارسی را زنده نگه‌داشت. دیگری فرهنگی در این مجموعه فرهنگ یونان است که به هومر شاعر یونانی که کتاب‌های ایلیاد و ادیسه را نوشت، که بیشتر در برجسته‌سازی فرهنگ خود در مقابل فرهنگ دیگری است. در بازنمایی نمایش وتئاتر دیگری فرهنگی به نمایش رمئو و ژولیت فقط اشاره می‌کند اما فرهنگ خود را به زیبایی به تفسیر می‌کشد که در سطح تصویر و متن بازنمایی شده است. در بازنمایی خود ایرانی در مجموعه کتاب فارسی بیاموزیم بیشتر از گزاره‌هایی مانند اماکن شهری، روستایی، فرهنگ‌نامه نویس، رقص‌های ایرانی، شاعران، دانشمند، فیزیک‌دان، آثار و ابنیه تاریخی، موزه ملی، ورزشگاه، نمایش‌های ایرانی، اقوام مختلف ایرانی و حتی اشاره به باورهای دینی و پیغمبر ایرانی به‌نام زرتشت که راهکاری برای بازنمایی خود ایرانی است که نمادهایی از کلیت فرهنگ ایران و یک بازنمایی نمادین دانست.

استفاده از نام‌های ایرانی گواه دیگری بر بازنمایی خود فرهنگ ایرانی در این مجموعه است. فرهنگ درون و در سمت خودی و نافرهنگ که شامل فرهنگ‌های دیگر است در بیرون وجود دارد و دیگری محسوب می‌شود، بنابراین در سمت درون متنیت وجود دارد و زندگی معنادار و منظم به‌نظر می‌آید، در مقابل در سمت بیرون طبیعت یا نامتنیت واقع است و در پی آن؛ آشوب، بی‌نظمی و بدویت حاکم است. فرهنگ ایرانی، فرهنگ زبان‌آموزان نیست و در این مجموعه کتاب نشان و اثری از فرهنگ زبان‌آموزان غیرایرانی به‌چشم نمی‌خورد. بنابراین فرهنگ ایرانی وطن زبان‌آموزان نیست و قرار نیست فارسی زبان این مجموعه کتاب را آموزش ببینند. نشانه‌های فرهنگی متنوعی در سراسر تاریخ و پهنه‌ی این سرزمین وجود دارد و ارتباط و تعامل نتیجه شناخت می‌باشد. فرهنگ ایرانی که در آن جذب و خودی‌سازی بیشتر از طرد و نفی و گریز می‌باشد. این فرهنگ باوجود این که در معرض فرهنگ‌های دیگر قرار گرفته، میراث گرانبهای خویش را نگه داشته و از طریق ترکیب با فرهنگ‌های دیگر نکات مثبت را وارد سپهر فرهنگی خویش کرده‌است. این قدرت تعامل و جذب بیان می‌کند که از تکامل فرهنگی برخوردار و به درک و دریافت حضور دیگری رسیده است. در زمینه اجتماعی و فرهنگی نکته جالبی که مورد نظر نویسندگان این مجموعه بوده، توجه و اهمیت به سلام کردن که در ارتباط‌های اجتماعی جامعه ایرانی و جای‌گاه خانواده به خوبی ترسیم شده است. برای آموزش مفید فرهنگ ایران زمین می‌توان پیشنهاد کرد که تدوین‌گران و طراحان کتاب‌های آموزش زبان فارسی نکته‌های فرهنگی بیشتری به مطالب درسی و از شیوه‌های گوناگون برای افزودن استفاده نمایند. راهکارهایی وجود دارد که می‌توان آموزش زبان فارسی را در دنیا گسترش داد از جمله دوره‌هایی برای آموزش مدرسان با توجه به منطقه جغرافیایی، ایجاد انگیزه و رقابت بین زبان‌آموزان برای فراگیری زبان، شناخت مدرس زبان‌آموز با ابعاد فرهنگی منطقه‌ای که برای زبان‌آموز تدریس می‌شود.

فهرست منابع:

آسابرگر، آرتور. (۱۳۷۹). *نقد فرهنگی*، مترجم:حمیرا مشیرزاده، تهران: انتشارات باز.

پوسنر، رولان. (۱۳۹۰). *اهداف اصلی نشانه‌شناسی فرهنگی و فرهنگ*. در ف. سجودی (گردآورنده و ویراستار)، *نشانه‌شناسی فرهنگی* (مجموعه مقالات ترجمه گروه مترجمان). تهران، نشر علم.

توروپ،پیتر. (۱۳۹۰). *نشانه‌شناسی فرهنگی و فرهنگ*. در ف.سجودی (گردآورنده و ویراستار)، *نشانه‌شناسی فرهنگی* (مجموعه مقالات، ترجمه ی گروه مترجمان). تهران: نشر علم.

دینه‌سن، آنه‌ماری. (۱۳۸۰). *درآمدی بر نشانه‌شناسی* (مظفر قهرمان، مترجم). چاپ اول، تهران، نشر پرسش.

ذوالفقاری، حسن. غفاری، مهبد ومحمودی بختیاری، بهروز. (۱۳۸۲). *فارسی بیاموزیم. آموزش زبان فارسی دوره‌ی میانه*. انتشارات مدرسه، تهران.

ساسانی، فرهاد. (۱۳۷۸). عصر پساروش گرایی در نشانه‌شناسی گفتمانی: روش گریزی یا به‌گزینی؟ مجموعه مقالات سومین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر. تهران: فرهنگ‌ستان هنر جمهوری اسلامی ایران.

ساسانی، فرهاد. (۱۳۹۱). *فرایند معناپردازی در برج آزادی*. نشانه‌شناسی مکان (مجموعه مقالات هفتمین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی). تهران، انتشارات سخن.

سجودی، فرزان. (۱۳۸۸). *ارتباطات بین فرهنگی: رویکرد نشانه‌شناختی. نشانه شناسی: نظریه و عمل* (مجموعه مقالاتی از فرزان سجودی). تهران: نشر علم.

سنسون، گوران. (۱۳۹۰). *مفهوم متن در نشانه‌شناسی فرهنگی*. در ف. سجودی، نشانه‌شناسی فرهنگی. تهران: نشر علم.

شریفیان، فرزاد. (۱۳۹۱). *مقدمه‌ای بر زبان‌شناسی فرهنگی*. (ترجمه، لیلا اردبیلی). تهران: نشر نویسه پارسی

لوتمان، یوری.*فرهنگ و انفجار*. ویرایش مارینا گریشاکوا: ترجمه به زبان انگلیسی ولما کلارک: ترجمه نیلوفر آقاابراهیمی؛ با مقدمه‌ی احمد پاکتچی. تهران: تمدن علمی، ۱۳۹۷.

Refrences:

Asaberger, A. (2000). *Cultural Criticism*. Translated by Humira Moshirzadeh, Tehran: Baz Publications. [in Persian]

Dinah-Sen, A-M. (2001). *An introduction to semiotics*. (Translated by Mozafar Kahraman,). 1st edition, Tehran, Porsesh Publications. [in Persian]

Eco, U. (1976). *A Theory of Semiotics*, Bloomington: Indiana.

Hinkel, E. (2001). Building Awareness and Practical Skills to Facilitate CrossCultural Communication. In M. Celce-Murcia, *Teaching English as a Second or Foreign Language*. Boston: Heinle & Heinle.

Lutman, Y. (2017). *Culture and explosion*. Translated into English by Velma Clark: translated by Niloofar Agha Ebrahimi; Tehran: Scientific Civilization. [in Persian]

Posner, R. (2011). *The main goals of cultural semiotics and culture*. In F**.** Sojodi (Compiler and Editor), (Proceedings of Cultural semiotics translated by the group of translators). Tehran, Elm Publications. [in Persian]

Sanson, G. (2011). The concept of text in cultural semiotics. In F. Sujudi, *Cultural semiotics*. Tehran: Elm Publications**.** [in Persian]

Sassani, F. (1999). The era of post-methodology in discourse semiotics: method avoidance or selection? *Proceedings of the third Consensus on Art Semiotics*. Tehran: Art Academy of the Islamic Republic of Iran. [in Persian]

Sassani, F. (2011). Meaning making process in Azadi Tower. Semiotics of Place (*Proceedings of the 7th Symposium on Semiotics*). Tehran, Sokhan Publications

Sharifian, F. (2011). *An introduction to cultural linguistics*. (Translated by Leila Ardabili). Tehran: Parsi Script Publishing. [in Persian]

Sharifian, F. (2017). *Cultural linguistics*. Amsterdam, Philadelphia: John Benjamins Publishing Company.

Sharifian, F., & Jamarani, M. (2011). Cultural schemas in intercultural communication: A study of the Persian cultural schema of sharmandegi 'being ashamed' *Intercultural pragmatics*, 8(2), 227-251.

Sojudi, F. (1388). *Intercultural Communication: Semiotic approach: Theory and Parctice* (A collection of essays by Farzan Sejoudi). Tehran: Elm Publications. [in Persian]

Thorpe, P. (2011). Cultural Semiotics and culture. In F. Sojodi (Compiler and editor), *Cultural Semiotics* (A collection of essays, translated by the group of translators). Tehran: Science. [in Persian]

Zulfiqari, H. Ghaffari, M. Mahmoudi Bakhtiari, B. (2003). *Let's learn Persian. Middle school Persian language teaching*. School publications, Tehran**.** [in Persian]